



رهبر انقلاب در دانشگاه امام حسین (ع) در واکنش به زیاده‌خواهی جدید آمریکا در مذاکرات هسته‌ای:

# اجازه بازجویی از دانشمندان را نمی‌دهم

دشمنان با همراهی برخی مسؤولان سفیة خلیج فارس در صدد آنند که جنگ‌های نیابتی را به مرزهای ایران بکشانند این را بدانند اگر شیطنتی صورت بگیرد واکنش ایران بسیار سخت خواهد بود

صفحه ۲



کشی: khamenei.ir

## نگاه

«اولاً غلط می‌کنید، ثانیاً همانطور که در زمان ریاست‌جمهوری قبلی آمریکا (منظور جورج دبلیو بوش) هم گفتیم، دوران «بزن و دررو» تمام شده است و ملت ایران کسی را که بخواهد به او تعرض کند، رها نخواهد کرد»

جملات فوق پاسخ کوبنده مقام معظم رهبری خطاب به جنگ‌سالاران آمریکایی مبنی بر تهدید به حمله نظامی آمریکا علیه ایران در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای بود. تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی‌ای که در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور داشتند؛ گویا ۲ واقعیت اساسی پیرامون مولفه‌های حاکم بر مناسبات و روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکاست. اول اینکه ایشان مجدداً انتقاد مستقیم و صریح خود را از سیاست «جماق و هویج» دولت‌مداران آمریکایی در برخورد با پرونده هسته‌ای ایران، ابراز داشتند و به‌صورت کاملاً شفاف اعلام کردند نیازمندی استراتژیک طرف آمریکایی به راهبرد مذاکره در حل و فصل پرونده هسته‌ای بیش از طرف ایرانی است و لذا جمهوری اسلامی تحت هیچ شرایطی از خطوط قرمز و اصلی خود عدول نخواهد کرد؛ ایشان همچنین ادامه روند مذاکرات را مشروط به رعایت عزت و عظمت ملت ایران از جانب طرف مقابل کردند. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای صراحتاً اعلام کردند مذاکره زیر سایه شیخ تهدید و ارباب‌سندیت و اعتباری ندارد و لذا تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران باید با رعایت مثلث سه‌گانه «عزت، حکمت و مصلحت» در راستای پیشینه‌سازی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران گام بردارد. واقعیت اساسی دیگر این است که نشانه‌شناسی فرمایشات معظم له مبنی بر اینکه «دوران بزن و دررو تمام شده است» بیان‌کننده ماهیت استراتژی درگیری و نبرد ایران در مقابل ایالات متحده است. با توجه به ماهیت و منطبق تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، به اعتقاد بسیاری از ناظران سیاسی و استراتژیست‌های نظامی در حمله احتمالی آمریکا، ایران لقمه آسانی برای ماشین جنگی

آمریکا نخواهد بود و ظرفیت‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک ایران، توان مضاف و رویارویی کشور را ارتقا داده و کوچک‌ترین تحرک نظامی علیه ایران، با واکنشی کوبنده پاسخ داده خواهد شد و منطقه به گورستان امپراتوری رو به مرگ آمریکا تبدیل می‌شود. اگر منطق حاکم بر سیاست خارجی و امنیتی یک کشور را تصور نقش منطقه‌ای و جهانی مطلوب آن یا راهبرد سیاست خارجی آن کشور مبتنی بر برداشتن از قدرت و منافع ملی‌اش تعریف کنیم؛ باید بگوییم منطق سیاست خارجی و امنیتی حاکم بر ذهنیت و تصورات دولت‌مداران ایرانی و آمریکایی به‌عنوان مفهوم سامان‌بخش عملکرد این ۲ کشور در معادلات امنیتی منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. با استناد به دیدگاه نظریه پردازان «پالیسیم ساختاری» بویژه «کنت‌والتر»، نظام تک‌قطبی در مقایسه با سایر ساختارهای نظام بین‌المللی بی‌ثبات است، زیرا دولت هم‌زمن به دلیل سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه و مداخله‌جویانه خود، اقدام به نوعی «خودزنی» می‌کند و روح مقاومت‌گرایی، چالش‌سازی و تهدیدزایی را در کالبد سیاست امنیتی سایر بازیگران می‌دمد. به عبارت دیگر، به باور نئورئالیست‌ها، در ساختار نظام تک‌قطبی، یک کشور موقعیت خود را بر اساس مولفه‌های ژئومونیک‌گرایی تعریف می‌کند از این‌رو در روابط قدرت هم‌زمن و قدرت‌های منطقه‌ای، گرایش‌ها و تمایلات ژئومونیک‌محور باعث می‌شود بازسازی روابط و عادی‌سازی با محدودیت و مشکل مواجه شود و لذا ما شاهد رشد فزاینده و تساعدی تنش‌های استراتژیک در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در بین بازیگران و در موضوعات مختلف هستیم. به نظر می‌رسد این گزاره‌ها تا حدودی می‌تواند از روابط و مناسبات امنیتی ۲ کشور ایران و ایالات متحده رمزگشایی کند. از این‌رو، به اعتقاد نگارنده فرارغ از اینکه پرونده هسته‌ای ایران از طریق و شیوه‌های مسالمت‌آمیز نظیر مذاکره، بده بستان و... حل و فصل شود یا مقامات آمریکایی دچار خطای محاسباتی شده و اشتباه تاریخی

## نبرد نامتقارن و پایان عصر خیالی امپراتوری آمریکا

■ جعفر عظیم‌زاده ■

عراق و یمن حاکمی از آمادگی ایران جهت رویارویی نامتقارن با هم‌زمنی منطقه‌ای آمریکا است. بازگردیم به سناریوی حمله آمریکا و متحدانش به ایران؛ سوالات پیششاری پیرامون این رویداد مطرح است: در صورت ارتکاب حماقت استراتژیک آمریکا و تصمیم به تهاجم نظامی علیه ایران، تا چه حد جنگ‌سالاران آمریکا موفق خواهند شد نسخه ایران را بیچینند؟ راهبردها و تاکتیک‌های ایران در مقابله با تهاجم آمریکا چه خواهد بود؟ «هنری کیسینجر»، وزیر اسبق خارجه و مشاور اسبق امنیت ملی آمریکا در مقاله خود در سال ۱۹۶۹ در تحلیل جنگ آمریکا و ویتنام نوشت: «ما جنگ نظامی کردیم، دشمنان ما جنگ سیاسی، ما به دنبال فرسایش فیزیکی بودیم، دشمنان ما در جستجوی فرسودگی روانی ما، در این جریان ما از توجه به یکی از ارکان اساسی نبرد نامتقارن غافل ماندیم؛ نیروی نامتقارن در صورتی که شکست نخورد، پیروز است و ارتش متعارف اگر برنده نشود شکست خورده است». اینکه مقامات آمریکایی گوش به توصیه‌های سلف خویش خواهند داد یا نه، مهم نیست؛ آنچه اهمیت دارد این است که به هر حال هر قدر آمریکا و متحدانش حملات هوایی هدفمند به زیرساخت‌های ایران داشته باشند، جهت تعیین تکلیف نهایی جنگ، باید روی زمین مقابل ایران صف‌آرایی کنند. بدون شک تجربیات جنگ ۸ ساله فرماندهان و رزمندگان ایرانی و اطلاعاتی که فرماندهان ایرانی از طریق پروکسی‌های (Proxy) خود -که در برهه‌های زمانی مختلف در عراق و افغانستان با نیروهای آمریکایی، غیرمستقیم درگیر بودند- کسب کرده‌اند، منزلت نامتقارن ایران را افزایش خواهد داد. از طرف دیگر اگر آمریکا وارد جنگی بدون نتیجه مشخص با ایران شود، ایرانی که هیچ تهدید مستقیمی علیه موجودیت و امنیت ملی ایالات

متحده ندارد، هم‌زمان با افزایش تلفات و بالا رفتن هزینه‌های جانی و مالی جنگ، آمریکا را با مشکل کسب مشروعیت و مقبولیت تهاجم روبه‌رو خواهد کرد. این متغیرها، دقیقاً همان ملاحظات است که آل‌سعود را در شروع حملات زمینی به یمن دچار تردید کرده است. کیفیت رزم سربازان آمریکایی هم در تعیین نتیجه نهایی نبرد خیلی مهم است؛ قطعاً سربازان حرفه‌ای نیز در نبردی که به خاطر دفاع از موجودیت و بقای کشور و ملتشان نباشد دست و پا بسته هستند و نمی‌توانند مهارت‌های خود را عملیاتی کنند از دیگر سو، فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه «دوران بزن و دررو تمام شده است و ما تجارزگر را رها نخواهیم کرد» نشان راهبرد فرسایشی کردن جنگ از سوی طرف ایرانی است؛ چون در جنگ فرسایشی اگر هزینه‌های جنگ افزایش یابد بدون آنکه نوری در انتهای تونل قابل رویت باشد، ما شاهد شکاف بین نیروهای مهاجم خواهیم بود و تردید در ادامه جنگ در چارچوب منافع ملی، باعث خدشه‌دار شدن اعتبار و حیثیت کشور خواهد شد و هرگونه تلاش برای قدرت‌افزایی عملیاتی باعث می‌شود طرفی که شاید ضعیف به نظر برسد در مقطع زمانی کوتاه‌مدت ضربات مهلک‌تری به طرف قوی وارد کند. در دکتترین نبرد نامتقارن ایران آمده است که با توجه به تغییر ماهیت جنگ‌های آینده، توسعه و تولید انبوه جنگ‌افزارهای کپه‌زین و سانه به منظور خنثی کردن فناوری‌ها و تکنولوژی‌های نوین نیروهای آمریکایی، آموزش نیروها و عوامل شبه‌نظامی نظیر حزب‌الله و هدف قرار دادن منافع اقتصادی آمریکا در خلیج فارس نظیر سکوها و میادین

نفتی و تحلیل و کسب اطلاعات از شبه‌نظامیانی که روزگاری در افغانستان و عراق درگیر نبرد با آمریکایی‌ها بودند، بدون شک توان جنگی ایران را ارتقا خواهد داد. همچنین حملات موشکی حزب‌الله به قلب آمریکا در خاورمیانه یعنی اسرائیل، بستن تنگه هرمز و تهدید جدی خطوط انتقال انرژی و... صحنه نبرد را از کنترل ژنرال‌های آمریکایی خارج خواهد کرد و قایق‌های تندرو نیروی دریایی ایران که اغلب قابلیت حمل موشک نیز دارند، می‌توانند با کمک زیردریایی‌های ایرانی، تاکتیک بستن تنگه هرمز را جامه عمل بپوشانند. از طرف دیگر تشخیص و پاکسازی مین‌های دریایی ایران، عرصه رزم دریایی را برای آمریکایی‌ها به بازی موش و گربه تبدیل خواهد کرد. توانایی علق‌بندسازی خود و متحدانش در مقابل حملات قدرت مانور و ابتکار عمل را از یک نای جنگی سلب کند در جمع‌بندی مطالب فوق، نگارنده معتقد است محیط جدیدی که در بستر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و در فضای رقابت ژئوپلیتیک ایران و ایالات متحده شکل گرفته است، حاوی ویژگی‌ها و مولفه‌های متمایزی است که در توانایی علق‌بندسازی خود و متحدانش در مقابل حملات توانمند ایران را نخواهد داشت. واقعیت دوم این است که ایران کشوری است که دارای ظرفیت‌های بالایی در طرح‌ریزی هوشمند جنبه‌های استراتژیک و عملیاتی صحنه رزم است و با داشتن قابلیت تطبیق بالا، می‌تواند به سرعت در صورت تهدید شدن، نیروهای خود را بازتولید و وارد صحنه نبرد کند. هم ارتش و هم سپاه در طول سال‌ها، آموزش‌های متناسب و لازم برای نبردهای اینچنینی را کسب کرده‌اند.